



۲۰۱۶/۰۶/۳۰



حمید انوری

## "آن کس که نداند و نداند که نداند"

عبدالرشید دوستم گویا خسته و مانده از جبهات داغ نبرد برگشته و با همان لباس های کماندوئی امریکائی درحالیکه در یک آرام چوکی مفشنی که از داخل قصر آورده و برایش در صحن چمن باغ گذاشته اند، لم داده و باز هم چند خبرنگار و ژورنالیست و گزارشگر و فلم بردار را دور خود جمع کرده؛ گاهی از زمین و زمانی هم از آسمان گز کرده و داد و فریاد راه انداخته است. خوب است باهم این گزارش را دنبال کنیم تا دقیق تر دریابیم که هر آنچه در کشور ویران ما میگذرد، بر میگذرد سر تقسیم لحاف ملا نصرالدین:

**دوستم: رییس جمهور و رییس اجرائیه قدرت را با هم تقسیم کرده؛ اما سهم من معلوم نیست**

در همین یک جمله بالا "دوستم داستان" درد دل خود را بیان کرده است و آنهم فقط اینکه " سهم من نیست".



حکومت سهامی است و سهم این یکی هنوز داده نشده است. سهم او را از روی لطف و وعده و وعید بدهید، ورنه...

میمنه (پژواک، ۷ سرطان ۹۵): جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول

ریاست جمهوری، در تازه ترین واکنش (عکس العمل) خود از رییس

جمهور و رییس اجرائیه شدیداً انتقاد نموده می گوید که با تقسیم ۵۰ +

۵۰ قدرت بین دو رهبر حکومت، مخالف است و در این میان سهم او

معلوم نیست.

جالب است به خدا! دوستم ( دو + ستم) با تقسیم قدرت (۵۰+۵۰) مخالف است، یعنی اینکه اگر خود یکطرف

معامله می بود، هرگز و هرگز مخالف تقسیم (۵۰+۵۰) نبود، اما چون چنین نیست و فقط از سهم ۵۰ فیصد

اشرف غنی، ۳/۱ یعنی یک سووم را به دست می آورد، پس در این معامله بازنده است و این درد کشنده او را

به فریاد آورده است.

وی که شام دیروز، در ختم عملیات نظامی علیه طالبان در ولسوالی دولت آباد و لایت فاریاب، با خبرنگاران

صحبت می کرد؛ از رییس جمهور و رییس اجرائیه، نسبت به آنچه که عملی نکردن تعهدات شان گفته می

شود، شدیداً انتقاد کرد.

قرار معلوم همان سهم یک سووم از سهم اشرف غنی را هم تا هنوز به دست نیاورده است. این درحالیت که

رئیس اجرائیه در سهم معاونان رئیس جمهور هیچ نقشی ندارد، چه او خود مشغول چانه زنی های مستمر با دو

معاون خود است و شاید آنها نیز از رئیس اجرائیه سهم بیشتری تقاضا داشته باشند.

اینکه در جبهات نمایشی و فیلمی بدماش فیلم چه گذشته است، مورد بحث این مختصر نیست. جنرال دوستم گفت که از کارکرد دوساله رییس جمهور غنی ناراض است؛ پیش از اعلان نتایج انتخابات مخالفت خود را درخصوص تشکیل حکومت ۵۰ + ۵۰ مطرح کرده بود و به گفته وی، قدرت باید به یکی از رهبران تحویل میشد؛ یکی دیگر در اپوزیسیون باقی می ماند.

از کارکرد دوساله رئیس جمهور همه خلق خدا ناراض اند و دوستم هم به این جمع پیوست، اما معاون اول غنی میگوید "پیش از اعلان نتایج انتخابات مخالفت خود را درخصوص تشکیل حکومت ۵۰ + ۵۰ مطرح کرده بود"، اگر اشتباه نکرده باشم به گمان این کمترین قبل از اعلان نتایج انتخابات ریاست جمهوری، قضیه تشکیل حکومت سهامی (۵۰ + ۵۰) اصلاً مطرح نبود که آن جناب با آن مخالفت ورزیده باشد و این درست بعد از اعلان نتایج و افشا شدن تقلبات گسترده هر دو کاندید بود که گپ به اصطلاح وطنی ما روده شد و یا به روده کشی رسید و "جان کری" را لوله و لویان، شب در میان به کابل کشاند و قضیه (۵۰ + ۵۰) مطرح گردید تا جلو روده کشی ها گرفته شود. اما اگر بچه فیلم مخالف حکومت سهامی بوده است و مخالفت خود را با حکومت سهامی ابراز هم داشته است، پس چرا، چگونه و با چه هدف یا اهدافی حاضر به همکاری با این حکومت سهامی گردیده است؟!

آیا برای او وعده داده شده بود که از هردو سهم، یعنی ۵۰ فیصد سهم غنی و ۵۰ فیصد سهم عبدالله، نصف نصف به دوستم میرسد؟!

گویا چنین بوده است که او باوجود مخالفت با حکومت سهامی، صدا بر نکشیده و عملاً اعتراضی نکرده است، اما اکنون که از سهم عبدالله هیچ به دست نیاورده و گویا کارد به استخوانش رسیده است، داد و فریاد راه انداخته است.

معاون اول رییس جمهور افزود که هماهنگی بین حکومت وجود ندارد، وزارت های دفاع و داخله که ارگانهای ملی اند، بین دو جریان سیاسی تقسیم شده؛ هر گاه یکطرف بخواهد یک قوماندان امنیه را برطرف نماید، از جانب مقابل مداخله صورت میگیرد و مانع آن می شود.

شاید در این مورد دوستم حق به جانب باشد که هماهنگی بین حکومت وجود ندارد، اما اینکه وزارت های دفاع و داخله را بین هم تقسیم کرده اند، خدمت باید عرض کرد که به همین میگویند حکومت سهامی و دیگر اینکه فقط در این دو وزارت نیست که تقسیمات صورت گرفته است، بلکه در تمام وزارت خانه های عریض و طویل حکومت سهامی که دوستم جز آن است، از پیاده دفتر گرفته تا خود وزیر بین تیم غنی و تیم عبدالله تقسیمات صورت گرفته است، اما سهم دوستم کمتر از آن است که توقع داشت و برایش وعده داده شده بود و درست همین درد است که دوستم را به فغان واداشته است.

این مقام بلندپایه حکومت، رییس جمهور و رییس اجراییه را برتقسیم قدرت میان خودشان متهم کرده گفت: "نقش من در تشکیل حکومت کنونی واضح است، رای آوردم زحمت کشیدم؛ اما سهم من معلوم نیست. با ۱۷۴ کشور روابط دیپلماتیک داریم، حد اقل ۱۰ سفارت را برایم باید می دادند، معاونت وزارت های دفاع و داخله حق ما بود؛ اما این کار را نکردند و میان خود تقسیم کردند."

باز هم همان قصه و افسانه سهم من و سهم تو است، او خود اعتراف میکند که در بدل "رای آوردن" برای اشرف غنی، بر علاوه معاونیت اول ریاست جمهوری و مزایای آن، لااقل باید ۱۰ سفارت، معاونیت های

وزارت خانه های دفاع و داخله، و چند چیز دیگر هم باید به او ارزانی می شد، سخن باز هم سر تقسیم غنایم در حکومت سهامی است، همین و دیگر هیچ. عطای ملت و مملکت به لقای شان.

عبدالله و غنی بین خود تقسیم کردند و تقسیم دوستم بر باد رفت و او را در جستک و خیزک انداخت، دوستم فراموش میکند که پسران لنده غر او را اشرف غنی مدال "قهرمانی" داد تا دهن خودش را ببندد، دوستم چرا در آن زمان اعتراض نکرد که یکی دو فیلم جور کردن و اکت فلم های "کابوایی امریکائی" را در آوردن، از هیچ کسی "قهرمان" ساخته نمی تواند و پسران لدر او هم هرگز لیاقت آنرا ندارند.

دوستم با اشاره به اظهارات معاون سخنگوی رییس جمهور درخصوص سرپرستی حکومت در زمان سفرهای رییس جمهور گفت که رییس جمهور، چگونه می تواند به پاریس و امریکا برود و همزمان کشور را نیز اداره کند؟

و اما این درد دوستم دو جهت دارد، یکی اینکه دو سه بار سفارت امریکا به دوستم ویزه نداد و شاید هم چنین باشد لندن و پاریس و دیگر اینکه در غیاب رئیس جمهور چرا معاون اول سرپرست ریاست جمهوری نیست. او فراموش میکند که سواد درست خواندن و نوشتن را ندارد و فراموش میکند که باوجود داشتن چندین درجن مشاور، هنوز هم او در حدی نیست که از عهده چنین کاری بدر آید.

از جانب دیگر گذشته های او همه و همه با تفتین و توطئه و کودتا و شورش و اغتشاش خمیر شده است و دگر هیچ کسی به او اعتماد ندارد و اشرف غنی هرگز، اما در این قضیه شاید عبدالله نیز نقش داشته باشد که هرگز دوستم را به عنوان فرد اول قبول ندارد و حق هم دارد.

وی افزود: "حکومت میخواهد پایگاه اجتماعی من را ضعیف بسازد، اشتباهات حکومت های گذشته را تکرار می کند؛ در حالیکه به جنرال دوستم خدا داده است، هیچ کس نمیتواند آنرا ضعیف کند."

پایگاه اجتماعی افراد و اشخاص را اگر واقعاً مردمی باشد و به زر و زور و تزویر و تهدید به دست نیامده باشد، هیچ حکومتی ضعیف ساخته نمی تواند، کسی باید این مطلب را به دوستم تفهیم کند، او یا واقعاً این حقیقت را نمی داند و یا خود را به کوچه حسن چپ میزند. "آن کس که نداند و نداند که نه داند" به همین میگویند.

در این اظهارات خود دوستم یا بی خریطه فیر کرده است و یاهم قصد تهدید مستقیم غنی- عبدالله را دارد که میگوید حکومت "اشتباهات حکومت های گذشته را تکرار می کند"، یعنی اینکه حکومت گذشته از حکومت دست نشاندۀ نجیب گرفته تا حکومت دست نشاندۀ ربانی اشتباه کردند و با کودتا های بیهم دوستم گلم شان چیده شد و حکومت کرزی نیز نزدیک بود به چنان سرنوشتی گرفتار آید، اما زمانیکه طیاره B۵۲ امریکا بالای قصر دوستم نمایان گردید، وضع به سرعت تغییر کرد و دوستم دانست که دیگر اوضاع همان نیست که پار و پیرار بود؛ پس به این نتیجه میرسیم که دوستم هنوز هم خاصیت بچه ترسانی خود را حفظ کرده است، غافل از آنکه این بچه ترسانی ها دیگر خریداری ندارد.

و اما خدمت رشید دوستم باید عرض کرد اینکه بار نخست که در خدمت تجاوزگران روسی قرار گرفت و دمار از روزگار مردم افغانستان بدر آورد و جنرال شد و چند چیز دیگر، "**خدا**" نداده بود، بلکه یک تحفه روسی بود و بعد ها همینگونه ارباب ها تبدیل گردیدند و چرخ گردون به کام دوستم گشت و گشت و گشت تا امروز، غافل از آنکه "اگر چندی چنین ماندست، بیش از این نمی ماند" و هر که را چهار روز نوبت اوست و این به **داد خدا** هیچ ارتباطی ندارد. گفته اند "خداوند دیر گیر و سخت گیر است".

معاون اول رییس جمهور گفت که اکثر روستاهای افغانستان، توسط پاکستان اداره می شود و رهبران حکومت وحدت ملی، مصروف تقسیم قدرت اند و حتی پول سیاه را هم در بین خود تقسیم میکنند؛ باید بجای تقسیمات قدرت، به فکر امنیت جان و مال مردم و خانواده های شهدای افغانستان باشند، که آنها به کمک نیاز دارند.

آیا دوستم یکی از مهره های همین حکومت سهامی نیست؟!

آیا او هر گاه و ناگاهی به جنگ با طالب نمی رود و خط و نشان به طالب و پاکستان نمی کشد؟

آیا او بعد از هر "جبهه" رفتن ها با طمطراق و کر و فر فریاد نمی کشد که به زودی طالبان را نابود کرده و با قوای پنج هزار نفری خود به پاکستان حمله میکند؟

مگر همه میدانند، به شمول طالب و حامیان پاکستانی شان که همه حرف مفت است. از اینها که بگذریم دیده می شود که نظر به اظهارات دوستم نه تنها در تقسیم قدرت به او سهمی داده نشده است، بلکه " حتی پول سیاه را هم در بین خود تقسیم میکنند"، اما از همین پول سیاه هم سهم دوستم را نمی دهند، اینجاست که کارد به استخوان او میرسد و فغانش به آسمان هفتم میرود. مشکل در این حکومت سهامی فقط تقسیم غیر عادلانه سهم بین سهم داران است و بس، ورنه دنیا گل و گلزار است و کشور و مردم در امن و امان!!!

جنرال دوستم در ادامه صحبت هایش افزود که شبکه های بیرونی، ستون پنجم در داخل نظام و نیز برخی افراد، تحمل و غیرت حضور در جبهات جنگ را ندارند؛ با بهانه های مختلف علیه اقدامات او برای سرکوب طالبان در شمال توطئه میسازند، جنگ های حزبی و قومی را مطرح نموده می خواهند اوضاع شمال را مختل سازند

عجب دور و زمانه ایست، دوستم توقع دارد که همه باهم به "جبهات جنگ" بروند، از شبکه های بیرونی گرفته تا ستون پنجم داخل نظام و برخی دیگر از افراد، شاید منظور او از برخی افراد، همانا اشرف غنی و عبدالله عبدالله باشد، اما دوستم تا هنوز نمی داند که "ستون پنجم" یعنی چه و چگونه توقع دارد تا ستون پنجم در جبهات جنگ حاضر شوند؛ و اما "شبکه های بیرونی" که همه در جبهات جنگ حضور دارند و یا در این جبهه یا آن جبهه به گونه های متفاوت و مختلف مشغول کشتار هموطنان ما هستند.

آخرین گزارشات که چندی قبل از منابع مختلف منتشر گردید، حاکی از آن بود که دوستم مشغول مسلح ساختن افراد جنبش خود است و قوماندانان جنبش هم مشغول تاراج و تجاوز اند و زندگی را بر مردم عام سخت تلخ ساخته اند.

او علاوه کرد: "من در شمال زاده شده با آب، نان و رای مردمش بزرگ و به کرسی معاونت رسیده ام و نمیتوانم بی تفاوت بمانم که مردمم زیر ظلم و ستم طالب و داعش قرار بگیرند."

طالب و داعش و القاعده یک منبع خوب درآمد و بهانه ساده شده است جهت مسلح ساختن اجیران جنگی به نام های مختلف و این تنها دوستم نیست که مشغول این سوداگری پر درآمد است، بلکه عطا محمد نور هم از او به هیچ وجه عقب نمانده است و چند جنگ سالار دیگر که در پارلمان کشور لمیده اند، نیز مشغول همین تجارت کثیف هستند.

و فراموش نکنیم سیاف و احمد ضیاء مسعود و چند مفت خور دیگر را...

وی گفت: "طالبانی که افغان هستند، موسس واقعی این گروه می باشند و به دستور آی اس آی پاکستان به خرابی کشور و کشتار مردم بیگناه دست ندارند، دروازه گفتگو به روی آنها باز است؛ اما طالبانی که اجیراند، به جنگ ادامه میدهند تا سرحد پاکستان آنها را تعقیب خواهیم کرد."

ما اما دانسته نشدیم که این طالبان "مؤسس" که از "آی اس آی" پاکستان نیز دستور نمی گیرند و بگفته دوستم در خرابی کشور و کشتار مردم هم دست ندارند، مشغول چه کاری اند؟!

دوستم افزود عملیاتی را که در کمتر از یکماه علیه طالبان در شمال راه اندازی نموده است، بیش از ۵۰۰ طالب مسلح به پروسه صلح پیوسته اند، ده ها تن کشته و زخمی شده اند و ولایات جوزجان و سرپل، از وجود مخالفین پاکسازی گردیده است و اکنون کار تصفیه فاریاب جریان دارد.

و! عجب! دوستم گویا نظر به ادعای خودش با کشتن ده نفر طالب، ۵۰۰ نفر دیگر شان را به تسلیم واداشته است و دو ولایت را کاملا پاکسازی نموده و فاریاب را نیز عنقریب تصفیه خواهد کرد، مگر هیچ مدرک قابل قبول در زمینه ارائه کرده نمی تواند، با آنکه یک تیم مجرب فیلم برداری نیز در اختیار دارد.

اما چه باید کرد که با اینهمه جنگ و فتح و تصفیه و پاکسازی و اینهمه خود گذاری و جان نثاری، سهم او را نمی دهند و حتی پول سیاه را هم با او قسمت نمی کنند.

این درحالیست که یکن از سرگروپ های طالبان به نام رحیم داد، عصر دیروز با ۶۵ تن از افرادش در ولسوالی دولت آباد فاریاب تسلیم گردید و به گفته جنرال دوستم، گروپ دیگری از طالبان با وی تماس بر قرار کرده اند که به زودی به روند صلح می پیوندند.

جنگ سالاران بی همه چیز از چهار سو و شش جهت به نام های مختلف مشغول مسلح سازی افراد شان اند و اینهم یک نمونه شناخته شده آن است که بنام تسلیمی های طالبان هم پول و سرمایه به دست می آورند و هم سلاح توزیع میکنند، یعنی با یک تیر چندین هدف را نشانه میگیرند.

اگر این ادعا ها اندکی هم واقعیت میداشت، امروز دیگر رشید دوستم می شد رهبر جدید طالبان.

همچنان معاون اول ریاست جمهوری گفت که عملیاتی را که عصر دیروز در منطقه شیخ ها، ششیر و فیروزه ای ولسوالی دولت آباد راه اندازی کرد، ملا میرداد ولسوال نامنهاد طالبان در قیصار با محافظش دستگیر گردید، ده ها طالب کشته و زخمی شد و مقادیر زیادی سلاح های سنگین و مهمات به دست نیروهای دولتی افتاده است.

اینها هم از همان دروغ های شاخدار است که پیهم تکرار میگردند و هیچ خریداری ندارند.

در اخیر این شعر زیبا و پر معنی را خدمت سهم داران حکومت سهامی، بخصوص معاون اول اشرف غنی تقدیم میدارم تا هر کدام خود را در آن جست و جو کرده و جایگاه اصلی خویش را دریابند.

آنکس که بداند و بداند که بداند اسب خرد از گنبد گردون بجهاند

آنکس که بداند و نداند که بداند بیدارش نمائید که بس خفته نماند

آنکس که نداند و بداند که نداند لنگان خرک خویش به منزل برساند

آنکس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابد الدهر بماند